

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Causes and Factors of Administrative Corruption in Executive Agencies and Its Consequences

Siamak Jafarzadeh¹, Ayesheh Abdiyari², Reza Nikkhah^{3*}

1. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

2. MA student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

3. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

* Corresponding Author's Email: r.nikkhah@urmia.ac.ir

ABSTRACT

Corruption is a phenomenon far broader than fraud and possesses a multifaceted nature. In the administrative systems of most countries, corruption has caused serious damage to development and progress. In developing countries such as Iran, its importance, as well as the necessity of its control and containment, has become entirely evident to both policymakers and the general public. Administrative corruption refers to a range of behaviors and actions by public sector employees that, by violating ethical principles and administrative laws and regulations and by abusing their power and authority within an organization, seek to fulfill illegitimate personal or group interests. Administrative corruption leads to diminished efficiency of agencies and the collapse of public trust and confidence in them. The purpose of this study is to identify the consequences of the presence and persistence of administrative corruption on society and to explore strategies for combating it and reducing its negative impacts. The results indicate that, from a legal perspective, it is possible to significantly reduce administrative corruption in executive agencies and increase public satisfaction through the following: oversight of the proper implementation of laws, enactment of transparent legislation, reliance on the principle of transparency in all ongoing affairs of executive agencies, strengthening and refining the legal framework, proper implementation of privatization, development and support of mass media, merit-based appointments, and the elimination of redundant administrative bureaucracy

Keywords: *Corruption, Administrative Corruption, Executive Agencies, Transparent Legislation.*

How to cite: Jafarzadeh, S., Abdiyari, A., Nikkhah, R. (2024). Causes and Factors of Administrative Corruption in Executive Agencies and Its Consequences. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 173-187.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸
 تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

علل و عوامل فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی و آثار و پیامدهای آن

سیامک جعفرزاده^۱، عایشه عبدیاری^۲، رضا نیکخواه^{۳*}

۱. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
 ۳. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
- * پست الکترونیک نویسنده مسئول: r.nikkhah@urmia.ac.ir

چکیده

فساد پدیده‌ای بسیار گسترده تر از کلاهبرداری و دارای ماهیت چند وجهی است. فساد در نظام‌های اداری اغلب کشورها موجب آسیب رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه مانند ایران اهمیت و مهار و کنترل آن کاملاً برای سیاستمداران و مردم آن‌ها واضح و آشکار گردیده است، فساد اداری به مجموعه رفتارها و اقدامات آن دسته از کارکنان بخش عمومی گفته می‌شود که با نقض اصول اخلاقی و قوانین و مقررات اداری و به کارگیری قدرت و توان خود در آن مجموعه، در جهت تأمین خواسته‌ها و منافع نامشروع فردی یا گروهی حرکت می‌کنند. فساد اداری به تضعیف کارآیی ادارات و فروپاشی اعتماد و باور عمومی به آن‌ها می‌انجامد. هدف از این پژوهش شناخت پیامدهای وجود و استمرار فساد اداری بر جامعه و راهکارهای مبارزه با آن و کاهش عواقب منفی آن است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از منظر قانون با نظارت بر حسن اجرای قوانین، تصویب قوانین شفاف، تکیه بر اصل شفافیت در همه امور جاری در دستگاه‌های اجرایی، تقویت و تنقیح قوانین، اجرای درست خصوصی سازی، توسعه و حمایت از رسانه‌های گروهی، شایسته سالاری در انتصابات و حذف بروکراسی زائد اداری، می‌توان به کاهش فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی و افزایش رضایت عمومی کمک شایانی کرد.

کلیدواژگان: فساد، فساد اداری، دستگاه‌های اجرایی، قانونگذاری شفاف.

نحوه استناددهی: جعفرزاده، سیامک، عبدیاری، عایشه، نیکخواه، رضا. (۱۴۰۳). علل و عوامل فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی و آثار و پیامدهای آن. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۱)، ۱۷۳-۱۸۷.

می توان گفت عدم تدوین به موقع آیین نامه های اجرایی مندرج در قانون و یا تدوین آیین نامه هایی که جامع و مانع نیستند، مبهم و غیر شفاف بودن حساب ها و وضعیت مالی بسیاری از شرکتها که گزارش عملکرد شفافیتی هم ندارند، پنهان کاری و شفافیت گریزی در رسیدگی به فساد اداری، گستردگی حوزه نظارت و درگیر شدن بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مسائل جزئی حوزه های انتخابیه، وابستگی های تشکیلاتی و حزبی نمایندگان که بعضاً موجب مماشات ایشان می شود، فشار افراد ذی نفوذ و گروه های خاص به تعدادی از نمایندگان برای جلوگیری از پیگیری مبارزه با فساد اداری، استمرار طلبی تعدادی از نمایندگان، دخالت دولت در امور ریز و درشت به جای سیاستگذاری های درست، ضعف در نظارت بر عملکرد دولت توسط نهادهای مدنی، دشواری گردش آزاد اطلاعات، مشخص نبودن حد و حدود روش های ارائه خدمات دولتی و محدودیت رسانه های مستقل در افشای فساد یا مقدماتی که منتهی به فساد می شود، زمینه های فساد را در دستگاه های اجرایی مهیا می کنند. بررسی و مذاقه علمی مؤلفه های پیش گفته از منظر نمایندگانی که حداقل چهار سال در دستگاه قانونگذار و ناظر تجربه کسب کرده اند می تواند قدمی بزرگ در راه مبارزه با فساد اداری در دستگاه های اجرایی باشد.

سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح می شود این است که علل و عوامل فساد اداری در دستگاه های اجرایی و آثار و پیامدهای آن چیست؟

تعریف فساد اداری

نظام اداری هر جامعه، بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه است و عملکرد درست یا نادرست آن، می تواند نظام سیاسی را تداوم بخشد یا از مشروعیت بپردازد، بنابراین توجه بنیادی به نظام اداری هر جامعه و آسیب شناسی دقیق فساد اداری می تواند کمک بزرگی به سیاستگذاران آن جامعه باشد که با تشخیص به موقع، بتوانند راه حل های لازم را ببینند (Ghehrmani & Heidari, 2013).

فساد در لغت به معنای فسق، تباهی، خدشه و خلل است. فساد امری پیچیده، پنهان، متنوع و بیانگر نوعی هرج و مرج در نظامی منطقی است که به مرور با ضربه به اساس آن سیستم موجب اضمحلال و سرنگونی آن می شود. بین سطح توسعه و سطح فساد رابطه معکوس وجود دارد و کنترل فساد به عنوان یکی از مهمترین شاخص های حاکمیت خوب پذیرفته شده است. فساد اداری، پدیده ای سازمانی و به نوعی فرزند ناخواسته سازمان است که روند توسعه کشورها را به شدت با چالش مواجه ساخته و موجبات شکل گیری بحران های گسترده را فراهم می آورد. فساد همچون ماسه ای است که در جریان چرخش چرخ دنده های توسعه اختلال ایجاد می کند و به تضعیف کارایی ادارات و فروپاشی اعتماد و باور عمومی به آن ها می انجامد. فساد اداری مختص یک سیستم یا یک جامعه یا فرهنگ خاص نیست و در تمام نظام های سیاسی با نوساناتی وجود دارد به بیانی دیگر ماهیتی بدون مرز دارد. فردی که گرفتار فساد اداری است برای دستیابی به رفاه و یا موقعیت شخصی، چهارچوب های رسمی مسئولیت دولتی خود را به کناری می نهد و با کار دولتی خود به تجارت می پردازد. به بیان دیگر، فساد اداری سوء استفاده از قدرت دولتی در دستگاه های مختلف برای دستیابی به منافع شخصی است. می توان گفت فساد اداری پدیده ای همزاد دولت است. فساد اداری بر کارایی نظام اداری و اثربخشی و مشروعیت نظام سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اثر منفی می گذارد. در این پژوهش سعی بر آن است که ابتدا ادبیات مفهومی مورد کنکاش قرار گیرد و به تعریف فساد به ویژه فساد اداری و علل و عوامل موثر بر آن پرداخته شود، سپس راهکارهای مبارزه با فساد اداری در دستگاه های اجرایی از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (دوره یازدهم) در دو بعد قانونگذاری و نظارت و همچنین راه های برون رفت از این معضل و کاهش عواقب منفی آن از منظر نمایندگان مورد بررسی و مذاقه علمی قرار گیرد.

هانتینگتون فساد اداری را به آن دسته از رفتار کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌کند که برای منافع خصوصی خود، ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند به عبارتی فساد، ابزاری نامشروع برای برآوردن درخواست‌های نامشروع از نظام اداری است. بنا به تعریفی دیگر، فساد اداری حالتی در نظام اداری است که در اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و آن را از کارایی و اثر بخشی مورد انتظار می‌اندازد. یکی دیگر از صاحب‌نظران معتقد است که فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که ضمن آن، فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر با موقعیت بهتر خارج از چهارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند ([Khodadad Hosseini & Farhadi Nejad, 2001](#)).

فساد رفتاری است که به دلیل جاه طلبی‌های شخصی معرف انحراف از شیوه عادی انجام وظیفه می‌باشد و به صورت تخلف از قوانین و مقررات و انجام دادن اعمالی از قبیل ارتشاء، پارتی بازی، اختلاس تجلی می‌کند ([Rasouli, 2005](#)). در این معنا هدف فساد سوء استفاده‌های شخصی و مبنای آن قانون است. بر اساس این مبنا فساد مطابق و فساد خلاف قانون وجود دارد؛ فساد مطابق قانون آن است که دارنده مقام دولتی رشوه می‌گیرد تا آنچه را که مطابق قانون وظیفه دارد انجام دهد. فساد خلاف قانون، فرد رشوه می‌گیرد تا کاری را بر خلاف قانون انجام دهد ([Fazeli, 2009](#)).

وجه مشترک کلیه تعاریف فساد اداری نقض یا تغییر در قوانین برای رسیدن به نفع فردی، گروهی یا خانوادگی است. فساد یک مفهوم اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی است در نتیجه نظرات مختلفی در تعریف آن مطرح شده است و هر تعریف بر یکی از جنبه‌های این پدیده ناپسند متمرکز شده است. روش‌های مختلف برای تعریف فساد را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود که عبارت

اند از: محوریت منافع عمومی، محوریت بازار، محوریت اداری، محوریت افکار عمومی و محوریت حقوقی.

طرفداران روش منافع عمومی بر این باورند که فساد به راه‌های مختلف برای منافع عمومی مضر و زیانبار است. حامیان روش بازار اظهار می‌دارند که هنجارهای مربوط به ساختارهای دولتی از بازار از حالت قیمت‌گذاری اجباری به بازار آزاد تبدیل شده که تغییر ماهیت فساد را به دنبال داشته است. حامیان روش اداری بر این موضوع تأکید دارند که سوء استفاده مقامات دولتی از پست و مقام خود، برای کسب منافع شخصی، فساد است.

کسانی که به تعاریف صورت پذیرفته با محوریت افکار عمومی معتقد هستند بر دیدگاه‌های عموم مردم در مورد رفتار سیاستمداران و کارکنان دولت تأکید می‌ورزند. برخی نیز به فساد از دیدگاه حقوقی محض نگرسته و به مشکلات ذاتی موجود در تعیین قوانین و هنجارهای مربوط به منافع رفتار و قدرت عمومی تأکید دارند ([Zaker Salehi, 2019](#)).

انواع فساد

هیدن هیمر محقق علوم سیاسی، فساد اداری را به سه گروه تقسیم کرده است: ۱- فساد سیاه: اقدامات و تصمیماتی که مورد پذیرش دولت و توده مردم نیست و عامل یا عوامل آن باید تنبیه شوند در این زمره هستند؛ مانند دریافت رشوه برای نادیده گرفتن معیارهای ایمنی در احداث ساختمان. ۲- فساد خاکستری: کاری که از نظر نخبگان قابل پذیرش نیست اما توده‌های مردم در مورد آن بی اعتنا یا بی تفاوت هستند. عدم پرداخت مالیات توسط مردم، از جمله اقدامات در این زمینه است. ۳- فساد سفید: که در ظاهر مخالف قانون است اما اکثر نخبگان سیاسی و مردم عادی آن را آن قدر مضر نمی‌دانند که خواهان تنبیه عامل آن باشند؛ مانند چشم پوشی از موارد نقص مقرراتی که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی ضرورت خود را از دست داده‌اند ([Abbasi & Jalilvand, 2018](#)).

شفافیت در نظام اداری در ایران دانست. تمایل به ارتکاب تخلف و وجود فرصت و امکان تخلف را می‌توان از دلایل اولیه فساد اداری نام برد. به همین جهت یکی از عوامل فساد را می‌توان سطح اختلاف فاحش کارمندان دولت با سایر شهروندان دانست. به همین منظور جامعه نیازمند قانون است تا حقوق و حدود و وظایف هر شخص مشخص باشد و افراد جامعه در مسیر قانون قرار گرفته و حرکت کنند، به همین علت، پیش‌تر گفتیم که جامعه نیازمند به سازمان‌ها و واحدهایی هست که با بی‌طرفی و به دور از انحراف از قانون و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران بر اساس ضوابط و معیارهای دقیق قانونی مورد رسیدگی قرار دهد تا با این عمل اعتدال و نظم و امنیت را حفظ نمایند. پس با این اوصاف می‌توان به طور کلی عوامل فرهنگی، محیطی، شخصیتی و حقوقی را مؤثر در شکل‌گیری فساد نام برد که در چند سطر مفاهیم آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) علل فرهنگی و محیطی: همان‌طور که در نظام اداری کنونی مشاهده می‌شود انتخاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای ارتباط به صورت امری عادی درآمد و تبانی بین افراد متمدن، سیاست‌مداران و عوامل بوروکراسی اداری برای عبور از فیلترهای نظام اداری، یک جریان پذیرفته شده است که نتیجه آن بروز فساد به ویژه در سطح کلان جامعه است. بررسی ریشه‌های فساد اداری ما را به دلایلی رهنمون می‌سازد که موجد محیطی است که در بستر آن عوامل انسانی جرأت می‌یابند تا به راحتی با سوء استفاده از موقعیت شغلی ایجاد شده، دست به اقداماتی بزنند که در پرتو آن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نقض و یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال یا به ناحق به دیگری واگذار شود (Hosseini, 2012).

ب) عوامل شخصیتی: یکی دیگر از عوامل مؤثر در بروز فساد، عوامل مربوط به شخص و فرد است، یعنی ابعادی چون خود محوری، اولویت منافع فردی بر منافع جمعی، ضعف فرهنگ،

فساد به طور معمول پنهان، جدید، مبتکرانه بوده و روش‌های ارتکاب آن در حال توسعه است؛ فساد قضایی اشاره به رفتارهایی که کارکنان دادگاه‌ها با استفاده از قدرتی که در اختیار دارند به منظور نفع شخصی مرتکب می‌شوند و این رفتار منتهی به تصمیمات قضایی غیر عادلانه و نامناسب می‌شود چنین رفتارهایی شامل رشوه، اخاذی، دلالی و سوء استفاده از آیین رسیدگی است. اما زمانی که قانونگذاران به منظور کسب منفعت شخصی از تصویب قانونی ضروری اجتناب و یا قانون را به گونه‌ای نوشتند که موارد فساد، قانونی جلوه داده شده باشد در اینجا نیز فساد محقق است. نتیجه این که فساد محدود به یک نهاد حکومتی خاص نیست. همچنان که یک کارمند و مسئول دولتی در اتخاذ تصمیم‌های اداری تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و اجتماعی قرار گرفته و از این مسیر مرتکب فساد می‌شود دو مفهوم فوق دلالت بر وجود فساد در هر سه رکن دولت یعنی قوای مقننه مجریه و قضاییه دارند (Afzali, 2011).

علل یابی بروز فساد و تخلف در ادارات و حلقه پیوند حقوق کیفری

بحث بعدی که می‌توان در اینجا به آن پرداخت مهم‌ترین عوامل فساد را می‌باشد و آن علل، بالا بودن بدبینی عمومی نسبت به سازمان‌ها و عدم قدرت در سیستم کنترلی و تنبیهی سازمان‌های دولتی است. دولت را هم نمی‌توان از این عوامل به دور از تصور دانست که با فعالیت اقتصادی خود در این عرصه باعث نفوذ افراد دولتی می‌شود و این امکان را مهیا می‌نماید که این افراد با وضع قوانینی چند لایه و به نفع خود، زمینه‌ی سوء استفاده، رانت‌خواری و رشوه‌گیری خود و یا افراد مورد نظر را فراهم آورند. عواملی همچون عدم تعقل، تعهد، نوع دوستی، فردگرایی و شخص محوری را به عنوان عوامل فساد را می‌توان نام برد و این عوامل را می‌توان نشأت گرفته از انحصارگرایی، عدم پاسخگویی، فقدان شایسته‌سالاری در گزینش‌ها، نبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نبود

جمع‌گرایی و پرهیز از کار تیمی و مشارکتی و عوامل مصرف‌گرایی همچون فعالیت‌های بیش از حد متعارف در زندگی از عوامل تأثیرگذار محسوب می‌شوند. به خصوص در سطح مدیران باید گفت: مدیران سازمان‌ها با ابتلای به مفاسد اخلاقی، اعتیاد و خشونت، می‌توانند رفتار زیانباری را به کارکنان خود منتقل کنند. عوامل کج‌روی مدیران را می‌توان به دو دسته عوامل فردی و عوامل سازمانی تقسیم کرد. حریص بودن و ضعف ایمان، از عوامل شخصیتی و فردی مدیران است که باید با شیوه‌های بیداری وجدان، یادآوری معاد، و مجازات، آن‌ها را بهبود بخشید. ساختار سازمانی و فرهنگ سازمانی نامناسب نیز می‌تواند از مهم‌ترین عوامل سازمانی کج‌روی اجتماعی مدیران باشد. با آگاهی بخشی و تأکید بر قانون‌گرایی، می‌توان عوامل سازمانی کج‌روی اجتماعی را کاهش داد و زمینه بهبود رفتار کارکنان را فراهم ساخت (Hadian & Hadian, 2017). علی‌ایحال باید گفت: یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف اخلاقی و کج‌روی مدیران، مربوط به جنبه‌های فردی مدیران است. بر این اساس، ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، ارزش‌های مذهبی، ملاک‌های شخصی، عوامل خانوادگی، ... از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای مدیران است (Parvin, 2020).

ج) عوامل اداری و سازمانی: واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیر واقعی و غیر ضروری مواجه هستند. به همین دلیل ابهاماتی در رویه اداری به وجود می‌آید که همین امر باعث اقدامات خودسرانه و تصمیمات مبنی بر برداشت خود شخص (تفسیر به نفع خود شخص) می‌شود و به شخص اجازه‌ی اقدامات خلاف واقعیت و قانون را می‌دهد.

در یک جمع‌بندی بخشی از این پیوند باید گفت: اساساً پیشگیری و برخورد قانونی با تخلفات و فساد اداری زمانی محقق می‌گردد که تضمین‌های قانونی و ضمانت اجراهای مناسب و کارآمد به فراخور هر شکل از فساد از سوی قانون‌گذار حکیم در نظر گرفته شده

باشد. تضمین‌های وضع‌شده از سوی قانون‌گذار هم به صورت اختصاصی در حوزه حقوق اداری و هم با وجوه مشترک شامل حقوق عمومی و کیفری و امثالهم نیز می‌گردد. از این رو برای دستیابی به مفاهیم و کاربردهای مشترک و به منظور رفع خلأها و نقاط ضعف، پژوهش و مقایسه کارکردهای تضمین‌های اداری و کیفری به طور خاص سبب نمایان شدن ثمرات و بعضاً آثار منفی ضمانت‌های اجرایی موجود می‌گردد. از طرفی تعیین حدود و ثغور مشمولیت عنوان تخلف در مورد افعال و ترک افعال از سوی کارکنان دولتی لشکری و کشوری و میزان تأثیرگذاری تضمین‌های قانونی برای رفع تسامح و اغماض از سوی مسئولین و مراجع ذی‌صلاح بسیار شایان توجه است. به ویژه در مورد جنبه‌های عمومی تخلفات و جرائم که سبب اضرار به منافع عموم و یا اشخاص می‌گردد و عنصر بازدارندگی در تضمین‌های وضع‌شده اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین تشخیص و تبیین مرز میان ماهیت افعال و ترک افعال در قالب تخلفات و یا جرائم کیفری و حتی وجوه اشتراکی و افتراقی آن موضوعی است که همواره از مباحث مبتلا به و نیازمند پژوهش و بررسی می‌باشد (Zamani & Nejad Khalili, 2013).

آثار و پیامد فساد در بخش دولتی

در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تأثیر بر تخصیص صحیح منابع: فساد مالی کار تعقیب اصل تخصیص و تهیه منابع توسط دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع مشروع متصدیان فساد سازگاری داشته باشند. در اینجا است که افراد به سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری

و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

۲. تأثیر بر توزیع صحیح درآمدها: این اثر از طریق کاهش درآمدهای دولت پدید می‌آید و این کاهش توانایی موجب می‌گردد دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلند مدت از تحقق کامل عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. به این دلیل اقشار ضعیف و کم درآمد از مزایای رفاه اجتماعی کمترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

۳. آثار منفی فساد مالی بر کارایی اقتصادی: فساد بیشتر کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی به فساد بیشتر خواهد انجامید و بین کاهش کارایی و افزایش فساد مالی دور باطلی ایجاد می‌شود که نتیجه آن حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل‌گیری انگیزه‌های فاسد است.

۴. آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی: تأثیر منفی عمیق فساد مالی بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه اثر منفی بسزایی می‌گذارد. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلند مدت بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت؛ در نتیجه، پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشورها می‌تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر

فرهنگ اقتصادی شود. پیامدهای منفی فساد در شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی می‌تواند هم از نظر اجتماعی و هم از نظر فردی کارساز باشد.

۵. پایمال شدن حقوق افراد: دستگاه اداری فاسد حلقه فساد را ایجاد می‌کند که در آن دولت قدرت و توانایی حکومتی خود را از دست می‌دهد. زمانی که فساد حاکم باشد حقوق و آزادی‌های انسانی تهدید شده و قراردادهای اقتصادی و اجتماعی نیز غیرقابل پیش بینی می‌شود.

۶. معاف شدن از مجازات: دستگاه قضائی و کارکنانی که رشوه می‌گیرند بر عناصر فساد و جرم در جامعه تأثیر می‌گذارند. بنابراین فساد در دستگاه قضائی سبب معافیت از مجازات و ایجاد عدم اطمینان برای کسانی می‌شود که در پی انصاف و عدل به ویژه برای افراد فقیر هستند.

۷. اتخاذ تصمیمات نادرست: فساد موجب اتخاذ تصمیمات نادرست از سوی دیوانسالاران می‌شود؛ چرا که آنان از طرح‌های زیراستاندارد، پرهزینه، پیچیده و سرمایه‌بر که به سهولت حسابرسی نمی‌شوند حمایت می‌کنند تا آسان‌تر مبالغ هنگفتی را به سود خود برداشت نمایند.

۸. فاصله طبقاتی: فساد مالی، فاصله طبقاتی و نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد زیرا منابع غالباً به بخش‌هایی تخصیص داده می‌شود که قدرت بازپرداخت آن را دارند. به عبارتی، افرادی که از توانایی‌های مالی و موقعیتی بهتر برخوردارند منابع بیشتری را جذب می‌کنند که این امر منجر به بیشتر شدن شکاف طبقات می‌شود.

۹. اثر بر ترکیب مخارج دولت: دولت‌های فاسد برای آموزش و پرورش و حتی بهداشت و درمان از دولت‌های سالم کمتر هزینه می‌کنند و بیشتر اعتبارات را

به سوی سرمایه گذاری‌های دولتی سوق می‌دهند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که فساد مالی موجب به هم ریختن ترکیب مخارج دولت می‌شود چرا که سیاست مداران فاسد منابع را بیشتر به بخش‌های ی سوق می‌دهند که سودهای کلان عایدشان شود.

۱۰. مانع رشد اقتصادی: از نقطه نظر تئوری اقتصادی می‌توان ادعا کرد که فساد مانع رشد اقتصادی است، زیرا انگیزه سرمایه گذاری مولد را از سرمایه گذاران داخلی و خارجی می‌گیرد. در مواردی که مقامات فساد دولتی پیش از آغاز به کار یک پروژه اقتصادی درخواست رشوه می‌کنند و یا اینکه تقاضای مشارکت در سود حاصله را دارند، رشوه همچون مالیات عمل می‌کند. فساد از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات همگانی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کندی آهنگ رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه، افراد با استعداد به جای اشتغال در مشاغل مولد به دلالتی و واسطه گری روی می‌آورند. یکی از کانال‌هایی که فساد از طریق آن به اقتصاد یک کشور لطمه وارد می‌آورد از شکل انداختن و منحرف کردن ساختار و ترکیب هزینه‌های دولتی است.

۱۱. تخصیص نادرست منابع کمیاب: فساد در فرایند بودجه ریزی، هزینه‌های مهم برای شبکه-های توسعه و امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد. بنابراین منابع مالی محدود را به جای خرج کردن در بخش‌های اجتماعی که اولویت دارند در مناطقی صرف می‌کنند که تنها اندکی از افراد بهره‌مند میشوند (Rahimian, 2014).

به طور کلی، دو رویکرد عمده به فساد اداری را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. در رویکرد نخست، به فساد اداری به مثابه ضعف ترتیبات نهادی نگریسته می‌شود. ملاحظه فهرست کشورهایی که

هر سال به وسیله سازمان بین المللی شفافیت، به لحاظ میزان شیوع فساد در آنها، رتبه بندی می‌شوند، بیانگر این نکته است که کشورهای با ترتیبات نهادی انعقاد یافته فساد کمتری را تجربه کرده و از بروندهای منفی این بد عمومی، به میزان کمتری آسیب دیده اند. اگر از منظر این رویکرد به فساد نگریسته شود، باید سراغ نهادها و میزان کارایی آن‌ها رفت. در واقع، به این مسأله پرداخته می‌شود که آیا قواعد بازی و محدودیت‌های نهادی کافی و مناسب برقرار شده است و آیا ترتیبات نهادی کنونی اثربخشی لازم را دارند یا نه؟ همچنین، کفایت نظام انگیزشی بازبینی می‌شود. به عبارت دیگر، در رویکرد نهادی به فساد اداری، به این پرسش اساسی پرداخته میشود که چرا بوروکراتها از مناصب دولتی‌شان در راستای انتفاع شخصی بهره برداری می‌کنند؟ در رویکرد دوم، فساد اداری به مثابه نوعی کژ رفتاری و کج منشی بوروکرات‌ها نگریسته می‌شود. در این رویکرد اخلاق‌گرایانه، سراغ افراد رشوه ستان و در واقع، نموده‌های فساد اداری گرفته می‌شود و در بهترین حالت، سعی می‌شود بوروکراتهای فاسد و خاطی با کارکنان به لحاظ اخلاقی به اصطلاح درست کار و صادق تر، جایگزین گردند. در این رویکرد، جوهره فساد اداری هدف قرار نمی‌گیرد و بنابراین عواملی که به آن دامن زده اند، تعدیل یا برداشته نمی‌شوند. متأسفانه در اقتصاد ایران، بیشتر از منظر این رویکرد به پدیده فساد اداری نگریسته شده است. به همین علت، کارایی روش‌های مبارزه با فساد اداری بسیار پایین بوده و همواره در برابر ملاحظات و مصلحت اندیشی‌های سیاسی و جناحی آسیب پذیر بوده اند. تحقق نیافتن وعده‌های مسئولان کشور در مورد افشای موارد فساد کشف شده و نیز پرهیز از برخورد قاطع با مفسدان را باید، به میزان زیادی، ناشی از این آسیب پذیری دانست (Khezri, 2008).

وقتی که سلامت صرفاً به معنی عدم فساد تلقی می‌گردد، سنجش فساد برابر خواهد بود با سنجش سلامت. به عبارت دیگر، در چنین نگاهی وقتی فساد مورد سنجش قرار گیرد، سلامت نیز خود به

۶. تصویب قوانین جدید برای کاستن از قدرت‌های انحصاری

۷. کاستن از بروکراسی اداری

۸. افزایش حقوق و دستمزد کارمندان

۹. تثبیت شیوه‌های نظارت و بازرسی فعلی

۱۰. افزایش بازرسی‌های دوره‌ای

۱۱. تقویت نظارت درونی و نظارت اجتماعی

۱۲. شایسته سالاری و احتراز از قوم گرایی

۱۳. شاخص قانون گذاری

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، غیر از موارد استثنایی و کاملاً محدود، مجلس شورای اسلامی از صلاحیت عام و انحصاری در وضع قانون (یعنی قانون گذاری) برخوردار است. اصل ۷۱ قانون اساسی از صلاحیت عام مجلس شورای اسلامی در وضع قانون در حدود مقرر در قانون اساسی سخن گفته است. این اصل بیان می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». علیرغم صلاحیت عام مجلس شورای اسلامی در امر قانون گذاری، به لحاظ حاکمیت قانون و اصل استقلال قوا و تقسیم وظایف و توزیع اختیارات، مجلس مانند سایر قوا با محدودیت‌هایی مواجه است که ریشه در عوامل مختلفی دارد. غالباً این محدودیت‌ها یا ناشی از محدودیت ذاتی اختیارات مجلس در وضع قانون و در تنظیم مناسباتش با سایر قواست و یا طبق اصل برتری قانون اساسی و ضرورت انطباق قوانین فرودست با قوانین فرادست و یا به خاطر محدودیت ساختاری آن و گاهی نیز به خاطر صلاحیت اختصاصی مراجع دیگر برای وضع قانون در موارد خاص است (Hosseini, 2012).

نتیجه‌گیری

فرضیه اول این پژوهش این بود کشور از نظر اسناد بالادستی و قوانین عادی برای مبارزه با فساد، کمبودی ندارد و عدم اجرای درست قوانین و فقدان نظارت صحیح موجب ایجاد فساد اداری

خود مورد سنجش قرار گرفته است. هر چه فساد کمتر باشد به معنی آن خواهد بود که سلامت بیشتر است. به عنوان مثال، فیشربازآوری سلامت سازمان را در درمان فساد و پیشگیری از آن جستجو کرده است؛ درست مثل انسانی که درمان بیماری اش به معنی کسب سلامت تلقی می‌گردد. اما در نگاهی دقیقتر و تخصصی تر می‌توان گفت که در نظر برخی درمان بیماری کفایت نمی‌کند و تنها اقدامی آغازین و البته ضروری و مهم است. مرحله ی بعدی، تقویت جسم آدمی و حذف زمینه‌ها و عوامل مقوم بیماری است. تمثیل فساد به بیماری البته دلالت آسیب شناختی دارد. اما صرف نظر از نوع رویکرد ارزشیابانه به فساد، برخی محققان و صاحب نظران، سلامت را برابر با عدم فساد تلقی نمی‌کنند. لانی و عضو از "عوامل نهادی حساس" سخن می‌گویند که اگر ضعیف باشند "محیطی سیاسی و اداری پدید می‌آورند که در آن فساد نضج می‌یابد" اما اگر قوی باشند، فساد را تضعیف می‌کند (Lanyi, 2005).

در مجموع، به نظر می‌رسد متمایز ساختن دو مفهوم سلامت و فساد از یک دیگر و تلقی آن‌ها به منزله ی دو روی یک سکه اما البته هر یک با خصوصیات ویژه و عناصر مخصوص به خود، بهتر می‌تواند درجات و شدت و ضعف هر یک از آن‌ها را به تصویر بکشد و بصیرت ارزشمندتری درباره ی نحوه عمل کردی بودن یک واحد اجتماعی به دست دهد.

راهکارهای قانونی مبارزه با فساد اداری

از جمله راهکارهای قانونی مبارزه با فساد اداری می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. تنقیح و شفاف سازی قوانین

۲. افزایش تشویق‌ها و مشوق‌ها

۳. هماهنگی سازمان‌های نظارتی در سیاستگذاری

۴. ایجاد اصلاحات ساختاری برای کاستن از قدرت‌های انحصاری

۵. متناسب نمودن پرداخت‌ها

در دستگاه‌های اجرایی کشور می‌شود. با بررسی نظر نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی هر دو بخش این فرضیه تأیید می‌شود و با ادبیات پژوهش هم‌خوانی دارد. قریب به اتفاق نمایندگان اعتقاد داشتند که کشور در حوزه‌های مختلف برنامه‌های جامعی دارد و مسیر توسعه در این بخش‌ها مشخص و شفاف است. بیشتر نمایندگان معتقد بودند قوانین و اسناد بالادستی کشور، هر زمان که ضرورت داشته، با توجه به نیاز کشور تدوین و تنظیم شده اند و کشور از نظر قوانین و اسناد بالادستی و حتی قوانین عادی مشکلی برای مبارزه با فساد نداشته و در حال حاضر هم ندارد. نمایندگان معتقد بودند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، اطلس ملی علم جمهوری اسلامی ایران، نقشه جامع علمی سلامت کشور، سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند جامع توسعه هوافضای کشور، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سند راهبردی توسعه آموزش فناوری نانو در جمهوری اسلامی ایران و.... راه و مسیر آینده کشور را مشخص کرده اند و اگر برای مبارزه با فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی مشکلی وجود دارد در این حوزه نیست. نمایندگان اعتقاد داشتند کشور نه تنها به قوانین و اسناد بالادستی جدیدی نیاز ندارد بلکه با انباشت قوانین و اسناد مواجه است و باید برای مدتی کار قانونگذاری در کشور محدود یا کم‌رنگ شود و بیشتر بر تنقیح قوانین و نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی تمرکز صورت گیرد. در سامانه قانونگذاری و نظارت مجلس شورای اسلامی نیز تمرکز بیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر حوزه نظارت بود. آمار تذکرات نمایندگان به مسئولان مختلف دستگاه‌های اجرایی در دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی و سؤالات از وزرا در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار بالا بود به طوری که فرصت رسیدگی به بسیاری از سؤالات به دست نیامد و یا بسیاری از سؤالاتی که توسط هیأت رئیسه

مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس اعلام وصول شد و مطابق با قانون باید وزرا برای پاسخگویی در صحن علنی حضور پیدا می‌کردند، در نوبت طولانی سؤالات اعلام وصول شده ماندند و عملاً به آن‌ها رسیدگی نشد.

فرضیه دوم این پژوهش این بود که اصل شفافیت و عدم پنهان کاری و طراحی الگویی چون اتاق شیشه‌ای برای مقابله با فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی کشور، از شدت و حدت فساد اداری می‌کاهد. با بررسی آزمون‌های آماری به عمل آمده، می‌توان گفت قریب به اتفاق نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی شفافیت و طراحی الگویی چون اتاق شیشه‌ای را برای مقابله با فساد بسیار مؤثر می‌دانستند و با بررسی نتایج آزمون‌های به عمل آمده در این پژوهش این فرضیه هم تأیید می‌شود. بسیاری از نمایندگان معتقد بودند در هر دستگاه‌های اجرایی که قوانین و مقررات و رویه‌ها، شفاف و روشن باشد و حدود و مرزهای مسئولیت‌ها و اختیارات مدیران مشخص و معلوم باشد، نظام اداری آن دستگاه صحیح و کارآمد بوده و در نهایت این موجب موجب کاهش فساد در آن دستگاه اجرایی می‌شود. بیشتر نمایندگان معتقد بودند قراردادادن دستگاه‌های اجرایی در اتاق شیشه‌ای شفافیت در حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیر گذار است. بیشتر نمایندگانی که در معرض سؤالات این پژوهش قرار گرفتند معتقد بودند که بنگاه‌های اقتصادی، همه منابع و ثروت‌های ملی، قراردادهای ریز و درشت دولتی، بازارهای سرمایه و اوراق بهادار، نحوه جذب نیروهای انسانی در دستگاه‌های اجرایی، سازمان خصوصی‌سازی، صدور مجوزهای دولتی، اطلاعات و آمارهای اقتصادی کشور، نظام مالیاتی حاکم بر کشور و درآمدهای آن و بودجه سالانه کل کشور از جمله موضوعاتی هستند که در اسرع وقت باید در اتاق شیشه‌ای شفافیت قرار بگیرند و سازو کارهای ضروری برای این مهم هم باید در اسرع وقت در دستور کار مجلس قرار بگیرد. البته تعدادی از نمایندگان هم معتقد بودند

شفافیت در کنار مزایای متعدد و ایجاد ساختار ضدفسادی که دارد، معایبی هم دارد که البته این معایب بسیار کمتر از مزایای آن است. فرضیه سوم این پژوهش این بود تقویت و تنقیح قوانین، اصلاح تشکیلات و روش ها، خصوصی سازی، پیشگیری از گرفتار شدن در فساد اداری به جای تنبیه و مجازات، نظام مندرکدن برنامه ها، تقویت فرهنگ سازمانی و نظارت‌های شدید قوه مقننه می‌تواند از دامنه فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی بکاهد. با تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده در این پژوهش و بررسی نظر نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی بخش‌های مختلف این فرضیه تایید می‌شود و با ادبیات پژوهش هم‌خوانی دارد. بیشتر نمایندگان به جای قانونگذاری بیشتر بر تقویت و تنقیح قوانین تأکید داشتند. بیشتر نمایندگان خواستار کوچک سازی و کاستن از حجم تصدی گری دولت و خصوصی سازی به روش درست، روشن و شفاف بودند و معتقد بودند خصوصی سازی و افزایش نظارت دولتی برای پاسخگو نمودن بخش خصوصی، می‌تواند تا حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیرگذار باشد. بسیاری از نمایندگان هزینه‌های پیشگیری از فساد را بسیار کمتر از هزینه‌های کشف و مبارزه با فساد می‌دانستند و معتقد بودند که افزایش بازرسی‌های دوره‌ای و سرزده سازمان‌های نظارتی و بها دادن به این سازمان‌ها و سیستم‌های حاکم بر آن‌ها تا حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیرگذار است.

فرضیه چهارم این پژوهش این بود که کلی و مبهم بودن قوانین، قانون‌گریزی، عدم شایسته سالاری در انتصابات، عدم پاسخ‌گویی به مراجع ناظر از سوی دستگاه‌های اجرایی و بروکراسی زاید اداری بخش دولتی از مولفه‌های اصلی افزایش فساد اداری در دستگاه‌های اجرایی کشور است. با تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده در این پژوهش و بررسی نظر نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی بخش‌های مختلف این فرضیه تایید می‌شود و با ادبیات پژوهش هم‌خوانی دارد. بیشتر نمایندگان بر این باور بودند

که پایش قوانین در راستای کاهش کاغذ بازی و کاستن از بروکراسی اداری در حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیر گذار است همچنین بیشتر ایشان معتقد بودند که ایجاد شایسته سالاری و احتراز از رابطه گرایی و قوم گرایی در ادارات دولتی در حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیر گذار است. تعدادی از نمایندگان معتقد بودند اصلاح ساختار و ارتقای شفافیت بودجه شرکت‌های دولتی، بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت می‌تواند در کاهش فساد در دستگاه‌های اجرایی بسیار مؤثر باشد و می‌تواند این شرکت‌ها را در برابر مجلس و نهادهای ذیربط پاسخگو کند. در حوزه مبهم بودن قوانین هم بیشتر نمایندگان بر این عقیده بودند که از طرح‌ها و لوایحی که در راستای شفاف سازی قوانین باشد استقبال می‌کنند.

فرضیه پنج این پژوهش این بود که اشاعه فرهنگ اسلامی و ترویج فرهنگ مناسب کار، ثبات و امنیت شغلی کارکنان و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان و در نهایت برخورد جدی با کسانی که درگیر فساد اداری شده اند در کاهش فساد و افزایش رضایت عمومی مؤثر است. با تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده در این پژوهش و بررسی نظر نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت تنها بخش‌هایی از این فرضیه تایید می‌شود و با ادبیات پژوهش هم‌خوانی دارد و بخش‌هایی از آن با تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده مورد تأیید نمایندگان قرار نمی‌گیرد. بیشتر نمایندگان معتقد بودند آموزش مبانی دینی و ارزشی به کارکنان دستگاه‌های اجرایی در راستای تقویت اخلاقیات و تقویت نظارت درونی (تقوا) و نظارت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر در حد زیاد و خیلی زیادی بر کاهش فساد اداری تأثیر گذار است. بسیاری از نمایندگان جوهره پیشگیری از فساد به معنای عام را تقویت معنویات و اعتقاد به معاد معرفی و معتقد بودند در جامعه‌ای که فرهنگ تقوا و پرهیزکاری رواج داشته باشد فساد کاهش خواهد یافت. تعداد زیادی از نمایندگان تصویب قوانین

پیشنهاد می‌گردد در حوزه خصوصی سازی که ارتباط مستیمی با کاهش فساد دارد کارهای پژوهشی انجام شود. با آنالیز نتایج به دست آمده در این پژوهش، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از هر طرح، لایحه یا پژوهشی که در راستای کمک به موضوع خصوصی سازی و کوچکتر شدن حجم دولت باشد استقبال می‌کنند.

پیشنهاد می‌گردد کارهای پژوهشی در رابطه با موضوع کاهش فساد بر حل یک موضوع متمرکز شوند و در نهایت نتیجه این طرح‌های پژوهشی به عنوان یک طرح برای طی مراحل قانونی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Administrative corruption is a pervasive and multifaceted phenomenon that undermines the legitimacy, functionality, and efficiency of public institutions across various political systems. This form of corruption, defined as the misuse of public office for private gain, manifests in both overt and covert behaviors by public officials that deviate from legal norms and ethical standards. Scholars have argued that administrative corruption is not merely a by-product of weak governance but rather an entrenched institutional failure that disrupts the fundamental relationship between the state and its citizens. As Huntington emphasized, corruption occurs when public officials use their positions for illegitimate private gain by overriding institutional norms (Khodadad Hosseini & Farhadi Nejad, 2001). Similarly, corruption has been likened to sand in the gears of bureaucratic machinery, slowing development and eroding public trust (Ghehrmani & Heidari, 2013). Importantly, corruption in

جدید جهت تشدید برخورد با متخلفین و تشدید مجازات‌ها و تقویت سیستم تنبیه در دستگاههای اجرایی را در حد خیلی کم و کمی بر کاهش فساد اداری تأثیر گذار می‌دانستند. تعدادی از نمایندگان هم معتقد بودند میان امنیت شغلی کارکنان و بهبود وضعیت آن‌ها و کاهش فساد لزوماً ارتباط مستقیم و معناداری وجود ندارد و فساد بعضاً در دستگاه‌هایی شیوع دارد که کارمندان آن از امنیت شغلی و وضعیت مطلوب اقتصادی برخوردار هستند. در حوزه شفافیت و گسترش آن در دستگاه‌های مختلف کشور برای جلوگیری از شیوع فساد، نیاز به کارهای پژوهشی به شدت احساس می‌شود. با توجه به تجزیه و تحلیل نتایج این پژوهش، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از طرح‌ها و لوایحی که در راستای شفافیت باشد استقبال می‌کنند.

administrative structures does not recognize geographic or cultural boundaries and can be found in varying degrees across both developed and developing nations. Within the Iranian administrative context, corruption is especially pronounced due to a constellation of structural, cultural, and institutional factors that, if left unaddressed, threaten to corrode the integrity of governance systems from within.

The definitional complexity of administrative corruption reflects its multidimensional nature. Scholars have proposed several frameworks to understand corruption, ranging from legalistic definitions focused on rule-breaking, to sociological approaches that examine public perceptions and market behavior. For example, Fazeli classifies corruption into two categories: legal corruption, wherein bribes are paid to fulfill legal obligations, and illegal corruption, which involves breaching the law to achieve unlawful outcomes (Fazeli, 2009). Rasouli defines corruption as a deviation from lawful duties

for personal ambition, manifested through acts like bribery, nepotism, and embezzlement (Rasouli, 2005). Moreover, theoretical approaches to corruption can be categorized under five lenses: public interest, market-centric, administrative, public opinion, and legalistic frameworks (Zaker Salehi, 2019). These conceptualizations underscore the nuanced ways in which corruption can infiltrate public institutions, often cloaked in legal ambiguities and procedural loopholes. As such, any attempt to combat corruption must first reckon with its definitional elasticity and the various pathways through which it becomes institutionalized within administrative systems.

Types of administrative corruption have also been categorized based on public tolerance and perceived legitimacy. According to Heidenheimer's typology, black corruption refers to acts broadly condemned by both elites and the general public—such as taking bribes for overlooking building safety codes. Grey corruption includes acts that may be frowned upon by elites but are largely ignored by the general populace, like tax evasion. White corruption, while technically illegal, is often tolerated due to its alignment with outdated or culturally obsolete regulations (Abbasi & Jalilvand, 2018). These gradations of corruption complicate enforcement efforts, as public opinion may not always support punitive measures, especially when certain practices are culturally normalized. Furthermore, administrative corruption often transcends individual wrongdoing and permeates legislative and judicial structures. Lawmakers who tailor legislation to benefit personal or factional interests or judges who issue biased rulings due to bribery or coercion contribute to a comprehensive network of institutional corruption (Afzali, 2011). Thus, corruption in executive agencies cannot be analyzed in isolation but must be understood

as part of a broader ecosystem of interdependent and complicit state organs.

The root causes of administrative corruption are deeply embedded in cultural, individual, and institutional structures. On a cultural and environmental level, patronage networks and bureaucratic collusion normalize favoritism and reduce the accountability of public service appointments. In such environments, merit-based advancement is sidelined in favor of personal or political affiliations, thereby undermining the credibility of public institutions (Hosseini, 2012). Individual-level factors include personality traits such as egocentrism, materialism, and lack of team orientation. Among public officials, especially managers, personal moral failings—such as greed, addiction, or a lack of spiritual grounding—can catalyze organizational deviance (Hadian & Hadian, 2017). At the organizational level, ambiguity in administrative procedures and the presence of outdated, contradictory laws create loopholes for personal interpretation and exploitation. This legal vagueness allows officials to justify self-serving decisions under the guise of bureaucratic discretion. These overlapping factors create a fertile ground for corruption, making it difficult to implement reforms unless holistic and synchronized interventions are introduced at the cultural, structural, and legal levels.

The consequences of administrative corruption are far-reaching and multifactorial. Economically, corruption distorts resource allocation, disrupts equitable income distribution, and diminishes economic efficiency. Instead of prioritizing developmental initiatives, state resources are diverted toward projects that serve the interests of corrupt officials. Consequently, infrastructure development and poverty reduction programs are neglected, exacerbating social inequalities and deepening public disenchantment with the state. The

erosion of institutional trust leads to a vicious cycle where reduced civic engagement further weakens oversight mechanisms. Moreover, when the judiciary itself is compromised by corruption, impunity becomes widespread, diminishing the deterrence effect of legal consequences. The policy implications of corruption are similarly detrimental. Decisions driven by personal gain rather than public interest result in substandard, overpriced, and poorly executed projects, thereby wasting public funds and delaying national development goals (Rahimian, 2014). The cumulative effect of these dynamics is a disillusioned citizenry and a governance apparatus that is both ineffective and illegitimate.

Different theoretical perspectives on administrative corruption offer diverging prescriptions for reform. The institutional approach views corruption as a symptom of weak regulatory frameworks and ineffective incentive structures. From this standpoint, reform must focus on strengthening institutional checks and balances, establishing transparent legal systems, and improving accountability mechanisms. On the other hand, the moralist approach attributes corruption to the ethical failings of individual bureaucrats. This view advocates for the replacement of morally compromised officials with upright individuals, assuming that personal integrity alone can restore systemic trust. While the former approach targets structural deficiencies, the latter focuses on behavioral corrections without addressing the institutional incentives that facilitate corruption. In Iran, the moralist perspective has historically dominated, resulting in superficial reforms that fail to tackle the underlying systemic issues (Khezri, 2008). Therefore, a recalibration toward institutional reform—emphasizing transparency, legal coherence, and civic empowerment—is imperative for any sustainable anti-corruption

strategy. Additionally, decoupling the concepts of "corruption" and "integrity" allows for a more nuanced evaluation of public sector health, as reducing corruption does not automatically equate to building a robust ethical culture (Lanyi, 2005).

Given the multifaceted nature of administrative corruption, legal reforms must address both preventive and punitive dimensions. Legislative clarity and transparency are essential to eliminate ambiguity and reduce opportunities for discretionary abuse. Incentivizing ethical behavior through appropriate compensation and merit-based promotions can enhance institutional integrity. Furthermore, decentralizing power and enhancing the autonomy of oversight bodies can mitigate undue political influence on regulatory agencies. Coordination among supervisory institutions, reduction of bureaucratic red tape, and enhancement of internal and external audits are also necessary to build an ecosystem of accountability. Additionally, promoting a culture of transparency—through public access to information, media freedom, and civil society engagement—can function as a societal check against administrative malfeasance. In the Iranian context, specific strategies such as the creation of a “glass room” model, where government activities are exposed to public scrutiny, have been proposed as a deterrent to corruption. These initiatives, while promising, require political will, legal reinforcement, and societal support to achieve lasting impact. Lastly, capacity-building measures, such as training public officials in ethics and governance, must complement structural reforms to cultivate a culture of accountability.

References

- Abbasi, M., & Jalilvand, F. (2018). *Good Governance, Political Power, Administrative Corruption*. Akhtar Publications.
- Afzali, A. R. (2011). *Administrative Corruption and its Impact on Development: Causes, Consequences,*

- and Solutions. *International Law Journal*, 45(28).
- Fazeli, M. (2009). *Introduction to Measuring Corruption*. Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Ghehrmani, M., & Heidari, R. (2013). A Study of the Relationship between Administrative System Health and Improvement of Human Resource Performance in Financial-Administrative Organizations of West Azerbaijan Province. *Journal of Quantitative Studies in Management*, 4(2).
- Hadian, H., & Hadian, M. (2017). A Study of the Intensification of Punishment in Islamic Jurisprudence and the Islamic Penal Code of 1392. Conference on New Research in Iran and the World in Psychology, Educational Sciences, Law, and Social Sciences.
- Hosseini, S. E. (2012). Limitations of the Islamic Consultative Assembly in Legislation (Subject of Article 71 of the Constitution). *Journal of Islamic Government*, 17(4).
- Khezri, M. (2008). Pathology of Methods of Combating Administrative Corruption in Iran. *Journal of Strategic Studies*, 11(42).
- Khodadad Hosseini, S. H., & Farhadi Nejad, M. (2001). A Study of Administrative Corruption and Methods of Controlling it. *Journal of Modarres Humanities*, 5(1).
- Lanyi, A. (2005). *Tools for Assessing Corruption & Integrity in Institutions: A Handbook*. USAID.
- Parvin, K. (2020). Review of Laws and Regulations: A Step towards Ensuring the Principle of Legal Security. *Public Law Journal*, 9(30).
- Rahimian, N. (2014). A Study of Economic Corruption and Ways to Combat it. *Economic Journal*, 9-10.
- Rasouli, R. (2005). The Role of the World Bank in Combating Corruption. *Journal of Administrative Transformation*, 5.
- Zaker Salehi, G. R. (2019). *Strategies for Combating Administrative Corruption*. Majd Publications.
- Zamani, S., & Nejad Khalili, M. (2013). Parliamentary Supervision over the Executive Branch (Case Study: Evolution of Questioning in the National Consultative Assembly and the Islamic Consultative Assembly). *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*.